

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۰۷ جولای ۲۰۱۵

## مجلس سی و ششم (در اخلاص در عمل)

شامگاه روز سه شنبه دوم رجب سال ۵۴۵ هجری قمری، شیخ عبدالقادر گیلانی (رضی الله عنه) در مدرسه چنین فرمود: این دنیا بازاری است که بعد از یک ساعت احدی در آن باقی نمی ماند. به شب هنگام ساکنانش آن را ترک می کنند. سعی کن که در این بازار دنیا جز آنچه راکه فردا در بازار قیامت برایت سودمند است، خرید و فروش نکنی. زیرا در آن بازار ناقد و خبره کاملی وجود دارد، که کالای زشت و زیبا، مرغوب و نامرغوب را از هم تمیز می دهد.

اخلاص در عمل متاعی است که برایت نافع خواهد بود، اما متأسفانه آن را نزد تو اندک می یابم. ای غلام عاقل باش و شتاب مکن، چون باعجله و شتاب چیزی عایدت نمی شود. صبر کن تا زمان مناسب هر چیزی فرا رسد، و بدانچه که اراده کرده ای برسی.

عاقل باش و با خدا و خلق خدایه ادب رفتار نما. به مردم ستم روا مدار، و آنچه که حق تونست، مخواه. تا زمانی که از جانب خداوند فرمانی برایت صادر نگردد، موفق به اخذ چیزی نخواهی شد. کسی قادر نیست نه زره ای، نه بدره ای، نه قطره ای، نه دریایی به تو عطا کند، مگر به اذن باری تعالی، و بصدور فرمان و اجازه او. عاقل باش، که عقل ترا در پیشگاه ذات حق پایدار می دارد. و بدان که رزق مقسوم به دست قدرت و به اختیار و اراده اوست.

وای بر تو! باچه روئی می خواهی فردا در حضور حق حاضر شوی؟ در حالی که در دنیا همواره بدو متعرض بوده ای، به مردم روی می آوری، از وی گریزان بودی، و نیازمندیهای خود را از مردم می طلبیدی. بدان که درخواست حاجات از خلق بزرگترین عقوبتی است که شخص در دنیا بدان گرفتار می شود، و البته این عقوبت به پاداش گناهان دامنگیر مردم می گردد. این راهم بدان که درخواست کنندگان کمتر به خواست خود می رسند و موفق می شوند، بلکه اکثر آنها بابت میلی و کراهت دیگران روبه رو می شوند. یکی از شدیدترین این عقوبات وقتی است که دست نیاز به سوی کسی دراز نکنی، و او ترا به خواری براند. ای غلام، بهترین چیزی راکه در این مورد به تو می گویم، این است که از کسی چیزی درخواست نکنی و به کاری که به آن آشنائی نداری و آنرا نیازموده ای، دست نیازی.

اگر قادر به عطا و بخششی، بدون انتظار پاداش عمل نما. خدمت خلق رابی مزد و منت به جای آر، چون قوم (اولیاء الله) به این شیوه عمل نموده اند. و پاداش آن را در دنیا و آخرت دیده اند، و مشمول لطف و عنایت مولا قرار گرفته اند.

(یا غلام) هرگاه از اسلام بدور بودی، بدان که مؤمن نیستی و از ایمان بری می باشی، هرگاه ایمان نداشتی ایقان نداری، و عدم ایقان موجب می شود که از شناخت خدایمانی. اینها مراتب و درجاتی است که باید اول: کاملاً به اسلام گروید، در تمام احوال به خدای عزوجل تسلیم شد، حدود و موازین شرع را بدرستی رعایت کرد و نسبت به خلق و خالق حسن ادب و رفتار داشت، باکسب این درجات و طی این منازل می توان به مقصود رسید.

نه به خود ستم نما نه به دیگران، زیرا ظلم ظلمات است، تیرگیهای دنیا و آخرت. ستم، روی راتیره و دل راسیاه می کند. پس نه ظلم کن و نه ظالمی را کمک نما، چون رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيُّ الظَّالِمَةِ؟ أَيُّ مَنْ لاقَ لَهُمْ نَوَاةٌ؟ اِجْمَعُوهُمْ وَاَجْعَلُوهُمْ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ»- (روز قیامت منادی ندای دهد، کجا بید ستمگران؟ کجا بید آنانی که در دواتشان لایقه قرار داده اند؟ همه را جمع کنید، در تابوتی از آتش جای دهید). از خلق بگریز و کوشش کن تا نه ظالم باشی و نه مظلوم. اما بدان اگر مظلوم شدی، بهتر است از این که ظالم باشی. یاری خدای عزوجل شامل حال مظلومان خواهد شد، خصوصاً در حالی که از بین مردم هم کسی به یاری ایشان نیاید. رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «إِذَا ظَلِمَ مَنْ لَمْ يَجِدْ نَصِيرًا غَيْرَ الْحَقِّ عَزَّوَجَلَّ فَإِنَّهُ يَقُولُ: لَأَنْصُرَنَّكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ»- (وقتی کسی مظلوم واقع شد و یاری کننده ای به جز خدانیافت، خداوند می فرماید ای بنده ترا یاری خواهم نمود، اگر چه بعدا باشد).

صبر موجب نصرت و بلندی مقام و عزت است. بار خدایا از تومی خواهیم که ما را در ردیف صابران محسوب داری، و از تومی خواهیم که ما را به جاده تقوا و بی نیازی از خلق، راهنمایی کنی، و حجاب دوری را از دیدگان ما برداری، تا هر زمان به تومشغول باشیم.

واسطه هارا از میان خود و خدا بردارید، که بر آنها تکیه کردن جز هوس بیهوده چیز دیگری نیست. و بدان که قدرت و توانگری میسر نمی شود، الا به خواست خدای تبارک و تعالی.

ای منافق، تابکی ریاء و نفاق؟ از جانب آن که به خاطر او دو روئی می کنی چه سودی عایدت می شود؟ ای وای بر تو!! آیا از خدا شرم نمی کنی؟ و به لقای او ایمان نداری؟ (به ظاهر) خدای را عبادت می کنی اما قلبت به سوی دیگری متمایل است. با او نیرنگ می کنی، ولی او از حالت آگاه است. برگرد، و نیت خود را اصلاح نما، سعی کن جز مبتنی بر نیت درست لقمه ای نخوری، قدم بر ننداری، و کاری انجام ندهی.

در راه حق خود را اصلاح نما، تا تمامی اعمال و رفتارت خاص او گردد و رنج عبادت از تو برداشته شود، و عمل صالح جزء خوی و سرشتت گردد. هرگاه عبودیت و بندگی خاص خدای بود، دیگر انجام آن هیچ گونه رنج و زحمتی ندارد، چون شخص متوسل به مولا می شود، و هر کس متوسل به مولا شد، او حجاب ظلمت را از دیدگانش برمی دارد و به خلقتش نیازمند نمی کند. رنج سفر تازمانی است که شخص در راه باشد، اما به مجرد این که به مقصد رسید، بر باب قرب حق نزول نمود، تمام رنجها و سختیها بر طرف می گردد، مقام انس در دل جای می گیرد، اول کم و اندک و بعد رشد می یابد، تا جایی که قلب پر از حب مولا می شود و دیگر جایی برای غیر باقی نمی ماند. اگر خواهان رسیدن بدین مقام و منزلت هستی، اوامر خدا را بدرستی انجام ده، و از آنچه نهی فرموده است اجتناب نما، و در تمام مراحل: نیک و بد، توانگری و درویشی، عزت و ذلت، به هنگام نزول بلا، و بسیاری دیگر از امور دنیا و آخرت خود را بدو تسلیم کن، اعمال را خالصانه برای رضای خدایان بده و انتظار کوچکترین پاداشی هم نداشته باش، و به یقین بدان که بزرگترین پاداش مؤمن رضایت ذات حق می باشد، و قرب او در دنیا و عقبی، در دنیا به قلب و باطن و در آخرت با جسم و بدن. عمل درست انجام ده و به پاداش آن رغبت نشان نده، چه ذره ای، چه برده ای، چه کم و چه زیاد، به اعمال نگاه مکن، بلکه به گونه ای باش که اعضاء و جوارحت متحرک باشد، ولی قلبت متوجه خدا. هرگاه بدین منزلت رسیدی، دیده ای خواهی یافت که به آن نهانی ها رامی بینی، که در این حال معنی را به صورت ظاهر، و غایب را حاضر خواهی دید. هرگاه بنده خالصاً مخلصاً برای رضای خدا عمل کرد، تمام وجودش به ایمان و ایقان و معرفت و قرب حق بدل می گردد، تاریکیها از پیش چشمانش بر طرف می شود. کدورت های اندرونش زوده می گردد، میدل به قلبی بدون نفس، سری و باطنی بدون قلب، و فنائی بدون وجود می شود، از تمام دنیا و مظاهرش غایب می گردد، و تنها به انس خدای عزوجل می اندیشد. تا این انس و قرب به حد کمال برسد، قدمی از خلق دور شو، چه نه سودی از جانب آنان برایت متصور است، نه زیانی، این ربابها

تجربه کرده ای. قدمی از ارضای خواهشهای نفسانی دور شو، و به سوی حق برگرد، این رانیز آزموده ای. بدان که نفس و خلق دودریای آتشند، دو دره هولناک، باعزم واراده درست خودرا از این مهلکه برهان، درد ودوای این مهالک نزد خداست، درمان هر دردی در دست حق تعالی است، غیر از او کسی قادر به شفای آلام نیست.

اگر بر تنهایی صبر کردی، به مقام انس می رسی، اگر بر فقر و تنگدستی شکبیا بودی، توانگر خواهی شد. دنیا را ترک کن، آخرت را طلب نما، سپس قرب مولارا، خلق را ترک کن و به سوی خالق برگرد.

وای بر تو! خلق و خالق در یک قلب جمع نمی شوند، دنیا و آخرت در یک دل جای نمی گیرند، یا خالق، یا خالق، یا دنیا، یا آخرت. شاید تصور کنی که ممکن است که خلق در ظاهر قرار گیرد، و خالق در باطنت و دنیا در دستت، و آخرت در قلبت جای گیرد، اما بدان که دومی محبت در یک دل جای نخواهد گرفت. به قلبت نگاه کن، اگر دنیا را می خواهی آخرت را بیرون کن، و اگر به آخرت علاقه مندی پس دنیا را از دل بران، و اگر فقط مولارا طالبی، دنیا و آخرت را از دل بدرکن، چون هرگاه ذره ای از حب دنیا را در دل داشتی نعیم آخرت را نمی بینی، و هرگاه ذره ای از آخرت در قلبت بود، به قرب حق خواهی رسید، پس عاقل باش، و جز با قدم صدق به درگاه اومیا، زیرا وی ناقد بصیری است، نیک و بد را بخوبی از هم جدا می کند.

وای بر تو! عیوب خویش را از مردم می پوشانی، ولی از خالق باک نداری. چگونه می توانی آنها را ببوشانی، در حالی که بزودی در انتظار خلق پرده ریاء و تزویرت پاره خواهد شد، و آنچه را که پنهان کرده بودی آشکار می شود. آنچه را که در نامه اعمال ثبت نموده ای، فردا از آن باخبر می شوی. ای کسی که از روی نادانی مبادرت به خوردن زهر کرده ای، به زودی اثر آن در بدنت ظاهر می شود. بدان که خوراک حرام سمی است که در بدن خود می ریزی، و ترک شکر و سپاس حق سمی است که دینت را با آن مسموم می کنی. بزودی خدای متعال به تنگدستی و فقر دچار خواهد نمود، که نیازمند دیگران شوی، و آنان نیز بر تو کوچکترین شفقتی نخواهند داشت. ای کسی که عمل علم را فراموش کرده ای، بزودی هم علم را از دست خواهی داد و هم برکت آن از قلبت خارج می گردد، ای نادانان اگر با این عقوبات الهی آشنائی داشتید، هر آینه حسن ادب را نسبت به خلق و خالق رعایت می کردید، و از آنچه که به شما مربوط نیست دوری می نمودید. یکی از صالحین گفته است: جوانی را دیدم که گدائی می کرد، به او گفتم اگر کاری برایت بهتر بود، ولی بدان که به علت ترک نماز شبانه به این عقوبت گرفتار آمدی.

(یا غلام) از آنچه به تو ارتباطی ندارد دوری نما، و به آنچه که به تو مربوط است بپرداز. هوای نفس را از قلبت بران، تا به جای تیرگیها، صفا و روشنائی به آن داخل شود. قال الله عزوجل: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»- (خداوند وضع قومی را دگرگون نمی کند، تا این که خود آنان وسیله آن تغییر را فراهم کنند. سوره رعد آیت ۱۱).

انسانها، بشنوید، ای مردم بشنوید، ای مکلفین، ای عاقلان، کلام باری را بشنوید، اوست صادق ترین گویندگان. در حال و نفس خود تغییر ایجاد کنید، آنچه را که ناپسند است از خویش دور کنید، تا بدانچه که خیر و صلاح است و مورد علاقه تان می باشد، برسید، ای برجا مانده، به پای خیز، به عمل نیکو پرداز، تا زمانی که راهی به سوی خدا داری از وی غفلت مکن. از خداوند کمک بخواه که ترا در صلاح نفست یاری نماید. بر نفس اماره ات مسلط گرداند، و گرنه نفس به زیر سلطه ات خواهد آورد. نفس در دنیا به زشتی امر می کند و در آخرت سرزنشگر است. از آن که ترا از یاد خدا غافل می کند فرار کن، همانگونه که از درنده ای می گریزی. کار نیک انجام ده تا سود ببری. هر کس خدا را دوست بدارد، خدا نیز وی را دوست می دارد. هر که قصد قرب به خدا نمود، بدون نزدیک می شود. شناخت خدا را در خودشناسی بدان. از من بشنوید و گفتارم را قبول کنید. جز خیر و صلاح شما چیزی نمی گویم. اگر آخرت را خواهان باشید، آنرا از خداوند برایتان طلب می کنم. آنچه می گویم به سود شماست، نه به نفع خودم. کلمه ای بر زبان نمی آورم، الا مورد رضای خدای باشد.

از دنیا و آخرت برای خود چیزی درخواست نمی‌کنم، خداوند صدق گفتارم رامیداند اوبه نهانی‌ها آگاهست. بیایید، من محک سنجش شما و معیار نیک و بدتان هستم.

این منافق، تابکی لب از گفتار بیهوده نمی‌بندی؟ تابکی می‌گویی من؟ توجه هستی؟ وای بر تو! غیرخدا را می‌بینی و ادعا می‌کنی، به قرب رسیده‌ام، به دیگری انس می‌گیری و مدعی انس خداوند هستی. نفس خویش را درحالی که معارض است، راضی می‌نامی، صابرش می‌دانی، درحالی که گریزان است، درحال بی‌قراری و بی‌تابی. تازمانی که تمام گوشت بدنت به مقراض آفات و بلاها کنده شود، و احساس دردکنی، و قلبت رابه خدا واگذاری و حب دنیا را از دل برانی، و خود را نیست و نابود انگاری و سراپای وجودت در خدمت خالق باشد، و از تمام منهیات خود داری نمائی، نباید سخنی بگویی، و آگاه باش تا این مقامات را طی نکنی به جایی نخواهی رسید. خدای عزوجل به ظاهر بنده نمی‌نگرد، بلکه باطن او را در نظر می‌گیرد، و باطن عبد عبارت است از- اعتقاد- به توحید، اخلاص، حب دنیا را از دل راندن، و از هر چیز دوری گزیدن. و هرگاه بنده ای به این منزلت رسید، خداوند او را دوست خواهد داشت، و به مقام قریبش می‌رساند، و بر دیگرانش برتری می‌دهد.

ای خدای واحد، ما را خاص خودگردان، از اعتناء به خلق نجاتمان ده، دعاهای ما رابه فضل و رحمت خود اجابت فرما، دل‌های ما را ز آلودگیها پاک گردان، کارهایمان را سهل و آسان گردان، به خودت مأنوس نما و از غیر خود بدوردار. تمام افکار ما را در یک فکر خلاصه کن، که آن تنها فکر و ذکر ذات تو باشد و در دنیا و آخرت به قرب خود مفتخرمان گردان.

«ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة حسنه و قنا عذاب النار» آمین.